

موقعیت سیاسی - اقتصادی جهان سرمایه

در دهه های اخیر سرمایه داری با بهره گیری از ثمره انقلاب علمی در زمینه ارتباطات، فن آوری های دیجیتال رفع موانع انتقال سرمایه های کلان و کالا و نیروی کار در سطح جهان تغییرات مهمی را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشورها بوجود آورده است .

این واقعیتی است که جهانی شدن شتابان سرمایه در دهه های اخیر ادامه منطقی مرگ امپریالیسم سرمایه داری است که در اوائل قرن بیستم توسط لنین تئوریزه و تدوین شده است . اما آنچه که در چهار دهه اخیر اتفاق افتاده است عبارت از این است که از دهه هشتاد سرمایه داری برای فائق آمدن بر بحران های خود، الگوی " نئولیبرالیسم " را جایگزین الگوی قرارداد که بنام الگوی "کینزی" معروف شده بود که در نتیجه رشد و گسترش جنبش کارگری و زمتکشان و برای مقابله با انقلابات سوسیالیستی امتیازات و دست آوردهای طبقه کارگر و زمتکشان را تا حدودی تحمل میکرد . الگوی نئولیبرالیسم در واقع امر در پی پس گرفتن امتیازات و دست آوردهای جنبش کارگری و رفع موانع انباشت سرمایه در دستور قرار گرفت . این الگو توسط ستادهای عظیم سرمایه جهانی نظیر صندوق بین المللی پول- بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی در سطح جهان تحمیل و به اجرا گذاشته میشود.

خصوص سازی های گسترده، تعدیل نیروی کار، مقررات زدائی از نیروی کار توسعه بازار آزاد بدون هیچگونه نظارتی، رشد سرمایه مالی حذف خدمات اجتماعی دولتی و سوبسید های ضرور برای کالاهای یاتی، برداشته شدن موانع گمرکی، اعمال سیاست های ریاضتی و از بین بردن مشاغل تمام وقت، توسعه شرکت های اجاره دهنده نیروی کار و مشاغل موقت و ناپایدار، سرکوب شدید اعتراضات کارگری، محو اتحادیه ها، سندیکا ها و جلوگیری از بوجود آمدن تشکل های مستقل کارگران از جمله دستورات اجرائی آن معروف به "ده فرمان" محسوب می شوند که در کشورهای مختلف از جمله در ایران نیز به مورد اجرا گذاشته شده است . اصل این سیاست اقتصادی در دهه های گذشته انباشت سرمایه و ثروت و تمرکز قدرت سیاسی در دستان عده قلیلی از سرمایه داران همچون مافیای قدرت و ثروت، و فشار اقتصادی و سرکوب سیاسی اکثریت عظیم کارگران و زمتکشان بوده است.

بحران های دهه های اخیر سرمایه داری و تبعات آن

بیات سرمایه داری به تصالب ارزش اضافی تولید شده بوسیله نیروی کار وابسته است در صورتی که در روند تولید ارزش اضافی و تصالب آن اختلالی ایجاد شود و تولید کالا مختل شود و یا سرمایه مالی بخش بیشتری از سود ناشی از اضافه ارزش را تصالب کند، بحران رخ میدهد.

در سال های گذشته انباشت سرمایه مالی رونق بورس های سهام، سرمایه های قماری به بروز بیابان های اقتصادی و در نتیجه بحران های سرمایه داری منجر شده است . متروپل ها و نهادهای مالی ، بانک ها و موسسات اعتباری وابسته بهم و تاثیرمتقابل بحران و ورشکستگی یکی بر دیگری به اختلال در زنجیره های بهم پیوسته موسسات مالی و صنعتی به بروز بحران ۲۰۰۸ منجر شد و با توجه به جهانی شدن سرمایه و سیاست های اقتصادی مترتب بر آن و نیز تلاش دول معظم سرمایه داری برای انتقال بار بحران به خارج از مرزهای ملی، این بحران ها را به سرتاسر جوامع بشری تسری داد و در نتیجه رقابت برای تجدید تقسیم مناطق نفوذ بمنظور تسلط بر بازارهای کالا، مواد خام و کار ارزان رقابت بین

امپریالیست ها را تشدید کرده و به جنگ و درگیری های نظامی منجر میگردد، همچنانکه شاهد جنگ های متعدد رسمی و یا نیابتی در خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان بودیم و اکنون نیز شاهد تشدید تضاد کشورهای نظیر آمریکا و متحدین آن از یکطرف و چین و روسیه و متحدین آنها از سوی دیگر هستیم درعین حال شاهد تشدید تضاد بین خود دول سرمایه داری متحدین و بلوکبندی های سیاسی و اقتصادی نظیر اتحادیه اروپا و آمریکا و غیره هستیم.

اقتصاد جهان سرمایه در گیر و دار بحران کرونا

نظام سرمایه داری هنوز از بحران ۲۰۰۸ بطورکامل خلاصی نیافته بود که بحران ۲۰۱۹ به همراه پاندمی کرونا این بحران ها را تعمیق و تشدید کرد.

نزدیک دو سال است که بحران پاندمی کوید ۱۹ هم موقعیت منززل اقتصادی سرمایه جهانی را بیشتر از پیش شکننده ساخته و هم توجیهی برای پیامدهای مخرب آن بر طبقه کارگر، تحمیل سیاستهای ضد کارگری بر آنان، و سرکوب جنبش ها و فعالین مدافع طبقه کارگر شده است.

این بحران جهانی را نه میتوان از بقیه بحران های سرمایه داری جدا دانست، نه میشود یک ماهیت ویژه برای آن قائل شد، و نه میتوان انتظار داشت که سرمایه داری بدون در نظر گرفتن ملاقات های مالی و سودآوری، انگیزه برخورد با این بحران را داشته باشد و یا اساسا سلامت و رفاهیات جامعه بشری را مرکز اصلی سیاست هایش قرار دهد. بلعکس سرمایه داری بعنوان سیستمی که ارجحیت اول و مهم اش را نه انسان ها، نه سلامتی و رستگاری شان بلکه بعنوان ساختاری برای ثروت اندوزی بیشتر به هر قیمتی، بار دیگر ثابت کرد که فاقد وجدان انسانیت و سیستمی فاجعه آفرین است که نه انسان از جمله و بشیانه اش به جان و دار و ندارش در امان خواهد بود و نه طبیعت و محیط زیست از دستبرد و تعرض بی رحمانه اش خلاصی خواهد داشت. بعلاوه، عدم تمایل و ناتوانی اش به پاسخ بلادرنگ و عاجلش در مهار کردن و جلوگیری از این بحران بدون انگیزه های پولی و سیاسی، هم بشریت و هم طبیعت را با خطر نابودی کامل روبرو ساخته است.

بحران کوید ۱۹ مانند بحران های دیگرش مثل تورم، ورشکستگی سیاسی-اقتصادی، جنگ، محیط زیست، و بیکاری ریشه های طبقاتی دارد و انگیزه های منفعت طلبانه اجازه نداده است که بشکل ریشه ای و واقعی برای جلوگیری از این معضل اقدام شود.

همانطور که اشاره شد، سرمایه داری همچنان که ماهیتا بحران مالی-اقتصادی بار می آورد توأمان بحران های سیاسی-اجتماعی و زیست محیطی را هم بدنبال دارد. بیماری های اپیدمی هم در بستر تخریبات محیط زیستی فراگیرتر و خطرناکتر گشته اند. کرونا اگرچه زندگی میلیون ها نفر را در جهان دچار اختلال و ترس کرده است ولی آنچه واقعیت دارد این است که این کرونا نیست که باعث رکود اقتصادی گشته (هر چند آنرا تشدید کرده است) بلکه عملکرد درونی سیستم سرمایه داری و قوانین اکم بر این ساختار موجد اختلال در مناسبات و تعامل بین انسان با طبیعت پیرامونش شده است.

در سال گذشته گسترش و عواقب پاندمی کرونا هر گونه فعل و انفعال اقتصادی-سیاسی و اجتماعی را تحت پوشش قرار داد. از طرفی اوضاع معیشتی-شغلی میلیون ها کارگر با وخامت بیشتری روبرو شد و از طرف دیگر وضعیت اقتصاد ورشکسته سرمایه داری توجیه تازه ای برای برون رفت از این بحران و از جیب میلیون ها توده های طبقه کارگر پیدا کرد. همزمان اعمال قوانین ضد پناهندگی، سرکوب اعتراضات و جنبش های توده ای را هم از توجه افکار عمومی خنده زده است.

از طرفی دیگر اقدام برای کنترل اپیدمی جهانی در کشورهای پیشرفته با عدم آمادگی، بی مدیریت و گیج سری روبرو ساخته است که نتیجتا اوضاع را برای یک ریاضت سخت تر

اقتصادی و تصویب وام‌هایی با نرخ بهره صفر به کورپرات‌ها و سرمایه‌داران بزرگ مساعد کرده است.

آنچه که بیش از همه در درک اجتماعی جامعه از جایگاه کارگران خ^۱ تولید و سرویس‌های خدماتی در این یکسال و اندی برجسته شده است، این است که با این فضای ترس و یاس مردم بخوبی تجربه کردند که نبض^۲ یاتی دنیا در دست کارگران است و اگر چیزی تولید نشود و سرویس‌های خدماتی متوقف شود جامعه انسانی از فحطی و بیماری به نابودی کشیده میشود. مشارکت‌های عظیم اجتماعی طبقه کارگر، به جان خریدن خطرات و فداکاری‌های همه گیر قدرت واقعی کارگران را بنمایش گذاشت. نه تنها کارکنان مراقبت‌های بهداشتی بلکه همه کارگران ناگهان به عنوان "قهرمان" شناخته می‌شوند. در این شرایط^۳ طبیعی ترین واکنش طبقه کارگر باید طرح مطالبات اقتصادی و اجتماعی ای مثل دستمزد بالاتر، مزایای بهتر، شرایط^۴ کاری و معیشتی نه کمتر بلکه بیشتر کند، چرا که در همه دنیا ما شاهد هستیم که چه طبقه ای مولد است و کدام طبقه انگل. همه می‌توانند ببینند که چه کسانی واقعاً "ضروری" هستند و میتوانند تامین سلامت و خدمات درمانی، تغذیه، نظافت عمومی، روشنایی، سوخت و حمل و نقل را تضمین کنند. در^۵ اینکه سرمایه داری مدعیست که بحران کنونی اقتصادی نتیجه پندومی کوید ۱۹ و بسته شدن اجباری مراکز و اماکن تجمع است هنوز ضربه بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بر اقتصاد جهانی نتوانسته است بطور کامل بازسازی شود و تجدید قوا کند. بعد از گذشت سیزده سال از آن بحران و سقوط مالی، سیستم مالی جهانی هنوز هم در آستانه یک ریزش ویرانگر قرار گرفته است. منتهایی که توسط^۶ سرمایه داری برای پاسخ به بحران مالی سال ۲۰۰۸ بکار گرفته شد، اگرچه توانست بخشا به تثبیت سرمایه داری کمک کند ولی در عین^۷ حال با ایجاد^۸ باب‌های جدیدتر مالی شرایط^۹ سقوط هرچه بیشترش را هم فراهم کرده است. در اکثر کشورهای دنیای سرمایه داری، با تزریق میلیاردها دلار به^{۱۰} حساب بانک‌ها و شرایط^{۱۱} نرخ بهره صفر درصد که از ثروت ملی و عمومی مایه گذاشته شده است منجر به باز-توزیع ناعادلانه خدمات اجتماعی و افت بیشتر قدرت خرید توده‌های مردم شده است. این پروسه مکانیسم باز-توزیع ثروت بسمت الیکارشی مالی و یک درصدی‌های جامعه به اشکال گوناگون همیشه وجود داشته است، ولی با سر رسیدن بحران‌ها، شکل عریانتری بخود گرفته و یا بیشتر افشاء گشته است .

خسارت مالی تحمیل شده به طبقه کارگر از سال گذشته تاکنون بسیار ویرانگر بوده است. طبق محاسبه تخمینی سازمان بین المللی کار جهان معادل ۲۵۵ میلیون شغل را در سال ۲۰۲۰ از دست داده است یعنی معادل ۴ برابر تاثیر بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بسیاری از مشاغل کوچکتر کلا از بین رفته اند.

شرایط^{۱۲} اد سیاسی- اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی

درسه دهه اخیر تحولات اقتصادی، سیاسی اجتماعی در جهان تاثیرات خود را بر توازن قوای طبقاتی و روندهای اقتصادی و اجتماعی داخل نیز برجای گذاشته است.

جهانی شدن سرمایه همانطور که در مانیفست کمونیست نیز ذکر شده است از همان ابتدا در کار بوده است . نظام سرمایه داری برای کسب سود همواره در پی تسخیر بازارهای جدید و دست یابی به مواد خام و نیروی کار ارزان است.

اجرای قوانین و دستورالعمل‌های سرمایه جهانی در کشورهای نظیر ایران که سرمایه به انباشت از طریق اعمال دیکتاتوری، استبداد و فساد، رانت و بهره‌کشی بی^{۱۳} د و مرز از نیروی کار و ز^{۱۴} امت عادت کرده است . ق^{۱۵} تشکل و تحزب از کارگران و دیگر ز^{۱۶} متکشان سلب شده است و طبقه کارگر و اقشار ز^{۱۷} متکش مردم از تامین اجتماعی و همه شمول و مکفی و^{۱۸} فوق بیکاری تامین و تضمین شغلی محرومند و هرگونه صدای اعتراضی با سرکوب خشن مواجه میشود و انباشت سرمایه با شدیدترین درجه استثمار و بی^{۱۹} قوفی انجام میگردد و علاوه بر اینها، اعمال تبعیضات جنسی، ملی، مذهبی، تخریب محیط^{۲۰} زیست و سایر مسائل دموکراتیک^{۲۱} ل نشده دیگر بیداد میکند . افزایش شکاف طبقاتی و گسترش

دامنه فقر و سرکوب هر ندای آزادی خواهی ، اعتراضات ، اعتصابات، شورش ها و خیزش های خود انگیخته توده ای را اجتناب ناپذیر میسازد .

خیزش های توده ای خود انگیخته در کشورهای خاورمیانه و ایران از آن جمله اند. این خیزشها و شورشها که گاه بطور ناگهانی بروز می یابند بدلیل نبود رهبری انقلابی سرانجام یا سرکوب می شوند و یا با دست بدست شدن قدرت سیاسی با یک دوره رکود و خمود مواجه می گردند.

امسال نفرت توده های زحمتکش مردم علاوه بر اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران و زحمتکشان جامعه خود را در عدم شرکت گسترده آنها در نمایش انتخاباتی رژیم نشان داد و با وجود رسوائی رژیم در این نمایش انتخاباتی، رئیسی یکی از جنایتکاران بنام و عضو هیئت مرگ و قاتل هزاران زندانی سیاسی ، تحت عنوان رئیس جمهوری اسلامی معرفی شد. بر سر کار آوردن رئیسی و تیم آن در قوه اجرائیه مبین این واقعیت است که متناسب با شکستگی و تحکیم طبقه اقتصادی مسلط قرار است قدرت سیاسی نیز تا حد امکان بعنوان نمایندگان بالاستحقاق طبقه مسلط اقتصادی سرو سامان یافته و بر اوضاع مسلط شود.

در عرصه داخلی:

در چنین شرایطی رویکرد رژیم در داخل کماکان مبتنی بر سرکوب جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی و تلاش برای رفع و رجوع معضل و مشکلات تولیدی که با بحران مواجه اند، تامین بیشترین فضای لازم برای تشدید استثمار و بهره کشی از نیروی کار و غارت و چپاول منابع ثروت عمومی سیر خواهد کرد. رژیم تلاش خواهد کرد با دستگیری و قربانی کردن نمایان فاسد و رسوای خود، از یکسو و تعاملات فرهنگی و نیز براه انداختن تبلیغات عدالت خواهی و غیره، از رئیسی و تیم او چهره ای متعادل بسازند و هم با شکاف انداختن در میان جبهه کارگران و محرومان جنبش های روبه گسترش آنها را مهار و سرکوب نمایند.

در زمینه سیاست خارجی:

رژیم همچون گذشته تلاش خواهد کرد تا از تضاد بین امپریالیست ها بیشترین سود را نصیب خود کند و از فشارهای تحریمات اقتصادی بکاهد همچنان که با استفاده از همین تضادها بار سنگین فشار حداکثری دوره ترامپ را از سرگزرانند و اکنون نیز تلاش خواهد کرد تا با وارد شدن به پیمان های نظامی و اقتصادی منطقه آسیا و ارواسیا نظیر "پیمان شانگهای" موقعیت خود را در مذاکرات با غرب تحکیم کند . واقعیت این است که متروپل ها و الیکارشی های امپریالیستی با کم بر جهان سرمایه داری در دوران کنونی جهانی سازی معطوف به ایجاد آنچنان ثباتی در کشورها هستند که گردش سرمایه و سودآوری آن تضمین شده باشد اعتصابات و اعتراضات کارگری و اعتراضات توده ای مهار و سرکوب شوند لذا همانطور که در واقعیت تحولات اخیر افغانستان و به روی کار آوردن طالبان دیدیم برای سرمایه های کلان و دولت آنها مهم نیست که در افغانستان طالبان و در ایران اسلام فقهاتی حکومت بکند فوق بشر پامال گردد، مهم آن است که ثبات لازم برای انباشت سرمایه فراهم آید و سرمایه ها بدون هیچ مانع و رادعی به سودآوری خود ادامه دهند.

سیاست رژیم در منطقه

سیاست جمهوری اسلامی در منطقه نیز کماکان با تمایل تغییرات اندک ادامه خواهد یافت رژیم کماکان تلاش خواهد کرد تا از رویه استقلال طلبی و نفرت از کشورهای امپریالیستی توده ها بویژه کشورهای غربی که تاریخا فجایع بیشماری را در این مناطق بوجود آورده اند استفاده بکند و خود را مدافع استقلال و عدالت جلوه دهد و بعنوان نیروی هژمون منطقه که در مقابل غول نظامی تسلیحاتی و اقتصادی آمریکا شاخ و شانه

میکشد، جلوه کند. از این موضع رژیم تلاش میکند در داخل کشور نیز با دامن زدن به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی صف گسترده تری در مخالف با طبقه کارگر و زحمتکش و نیروی چپ ایجاد کرده و از رواج ایده های سوسیالیستی و مترقی در جامعه جلوگیری کند.

مسئله اعمال این سیاست ها با شکست مواجه خواهد شد. در جریان نمایش "انتخابات" ریاست جمهوری، رئیسی ادعا میکرد که با استقلال سیاست گذاری در برنامه های کوتاه و دراز مدت اقتصادی قادر است که عواقب و پیامدهای تحریم ها را عقیق کرده و تحریمات اقتصادی قادر نخواهد بود که در این پروسه پای اقتصادی اختلالی ایجاد کند.

ولی شرایط اقتصادی رژیم اسلامی با بحران همه گستر سیاسی، بیشتر و بیشتر در سراسر سقوط قرار گرفته است. آثار مخرب تحریم ها با شیوع پندومی کوید ۱۹ و از کار افتادن کارگاه ها و سرمایه های کوچک و خودکفا، چند برابر شده است و هراس رژیم از سرگیری اعتراضات سراسری توده ای هر گونه امید واهی ای به پای اوضاع اقتصادی و دست بسر کردن توده های مردم را نقش بر آب کرده است.

با توجه به ابراز تنفر علنی توده های مردم نسبت به رژیم اسلامی که با امتناع به رفتن پای صندوق های رای در مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری نشان داد. در پیش از انتخابات کارگزاران رژیم با کمپینی از وعده - وعیدهای تازه ای سعی می کردند مردم را به پای صندوق های انتخابات بکشانند.

ولی توده های مردم میخ آخر را بعد از کشتارهای و شیانه آبان ۹۸ به تابوت رژیم زدند و پای با وعده وعید واکسینه کردن مردم و نوید رونق اقتصادی، کسب رای اعتماد از مردم به جایی نرسید.

یک سال و اندی پس از هرج و مرج عدم کنترل کرونا، بی اعتنائی مقامات رژیم به جان میلیون ها نفر و رها کردن آنان در میانه بیماری و بیکاری، ترفند انتقاد از خود و مله به فساد و رانت خواری دستگاه دولتی و براه انداختن تبلیغات عوامفریبانه دفاع از حقوق محرومان تلاش میکنند تا به هرنحوی که شده از طریق وعده و وعید و اختلاف انداختن در میان کارگران و زحمتکشان معترض جنبش های اجتماعی را مقهور و از گسترش و رادیکالیزه شدن آنها جلوگیری بکنند.

افکار عمومی علیرغم میدیای سرسپرده و در خدمت سیاسیت های ضد مردمی رژیم، از درجه ارتشاء و فساد عمیق اقتصادی بخوبی آگاهند و ترس و هراس مردم از دستگیری و پیامدهای کیفری کاملاً در هم شکسته و اکثریت مردم علناً به این رژیم منحل و جنایتکار اعلان جنگ داده اند. اعتصابات گسترده کارگران پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی، تداوم مبارزات کارگران هفت تپه و وسایر مراکز کارگری و نیز اعتراضات معلمان، بازنشستگان، بیکاران و سایر زحمتکشان مبین این واقعیت است که جامعه ایران بویژه بعد از خیزش های ۹۶ و ۹۸ وارد دور جدیدی از مبارزه شده است که بدون ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیابی زحمتی و توده ای طبقه کارگر بعنوان نیرومندترین طبقه اجتماعی و پیشرو جامعه و نیز اتحاد توده های زحمتکش مردم در یک جبه انقلابی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران براساس شوراها این مبارزات به پیروزی تمامی نیروی کار و زحمت بر اختاپوس هزار سر سرمایه و مافیای قدرت و ثروت منتهی نخواهد رسید و در اینجا وظیفه پیشروان کارگری بویژه کمونیست ها است که تلاش کنند با نیروی کار و مبارزات آن پیوندی ارگانیک برقرارکنند و با سازماندهی هسته های سرخ و کمیته های کارخانه و محلات به صورت عملی خود در مبارزات جاری مادیت بخشیده و با اتخاذ تاکتیک های صحیح و اصولی در راستای تحقق استراتژی خود گام بردارند .